

## نتیجه گیری:

لغو تحریم های هسته ای در گام نهایی منتهای برداشته شدن تحریم های بانکی و نفتی کنگره گشایش چندانی در وضعیت اقتصادی جامعه ایجاد نخواهد کرد. این انتظار وجود داشت که در قبال امتیاز مهمی که در رابطه با مشروط شدن حق غنی سازی کشور به طرف مقابل داده شده، دست کم باید تحریم های اصلی نفتی و بانکی در گام نهایی برداشته می شد. جدای از موضوع هسته ای به نظر می رسد مقامات آمریکایی علاقه مندند توافق ژنو اولین قدم در تغییر ماهیت دولت ایران باشد. این نکته ای است که تاماس فریدمن، سرمقاله نویس روزنامه نیویورک تایمز، در سرمقاله این روزنامه در تاریخ ۲ آذر ماه ۱۳۹۲ (۲۳ نوامبر ۲۰۱۳) به آن اشاره می کند. اگر ما بتوانیم یک معامله هسته ای بی عیب و نقص با ایران داشته باشیم که همزمان راه ایران را برای بازگشت به اقتصاد جهانی باز کند، مقامات دولت آمریکا امیدوارند گروه های ذی نفع من جمله بازیگرانی که خواهان تعامل با آمریکا و غرب هستند در داخل ایران قدرت بگیرند و شروع به تغییر ماهیت رژیم کنند. در جلسه استماع ۲۱ آذر کمیسیون بانکداری سنای آمریکا دیوید کوهن، معاون وزارت خزانه داری این کشور که همراه وندی شرمن به این جلسه دعوت شده به موضوع استفاده از فشارهای مردمی برای تغییر سیاستهای دولت ایران نیز اشاره می کند:

کوهن: «اولین گام «طرح اقدام مشترک» شرایط اقتصادی ایران را بهبود نمی بخشد، اما مردم ایران با شور و هیجان از آن استقبال کردند، چرا که به اعتقاد من نگاه مردم ایران به این مسئله، از منظر نشانه ای از پتانسیل بهبود اقتصادی است که در پیش رو دارند. بنابراین صادقانه بگویم تصور می کنم چنانچه در طی شش ماه آینده، با توجه به آنچه که مردم ایران از فحوای «طرح اقدام مشترک» دریافته اند، چنانچه دولت ایران به طور جدی در مورد برنامه هسته ای وارد مذاکره شود تا تحریم های واقعی را بردارد، با توجه به پتانسیل موجود، دولت با اعمال فشار مضاعف مردم روبرو خواهد بود، فشار آنهم از نوعی که شاهد آن بودیم که منجر به انتخاب روحانی شد، فشار اضافی برای سوق دادن دولت ایران به سمت انجام کاری که برای توجه به نگرانیهای ما لازم است.»

بنابراین به نظر می رسد گره زدن معیشت مردم به موفقیت در مذاکرات هسته ای بازی در زمین آقای کوهن است. معتمد توافق ژنو به دغدغه اصلی ایران نپرداخته است. در متن اصلی توافق صحبت از تحریم های هسته ای است. وقتی شما با این گزاره مواجه باشید به این معنی است که آن هائی تواننده بهانه تروریسم، جلوی شکستن تحریم های نفتی و بانکی را بگیرند. از این جهت، با توجه به مشکلاتی در توافق نامه ژنو داشتیم، نیاز است این مشکلات حل شود و امتیازات تازه داده نشود. تا در نهایت طرف مقابل، اهرم های قدرت ایران را از دست ما نگیرد. آمریکایی ها خودشان اصلاحی دارند و می گویند: «معامله نکردن بهتر از یک معامله بد است.» این تنها مربوط به آمریکایی هائ نیست، ما هم همین وضعیت را داریم. اگر ما نتوانیم در مذاکرات موفق باشیم، به معامله بدی می رسیم که مشکلات ما را بیشتر می کند. این هدفی درستی نیست که ما مذاکره کنیم تا مذاکره کرده باشیم.

جیمز کلپر که رییس نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا است، سه هفته پیش در گزارشی اعلام کرد ما نمی دانیم که ایران در نهایت تصمیم به ساخت سلاح هسته ای را خواهد داشت یا خیر؟ این سخنان کلپر نشان دهنده آن است که طرف مقابل می داند که ما برنامه ساخت بمب هسته ای نداریم. در اولین روزی که توافق ژنو باید اجرایی شد، وزارت دارایی آمریکا متنی را در سایت خود قرار داد و در آن ذکر کرد کسانی که ساکن آمریکا هستند یا در آنجا شرکت دارند، اجازه ندارند بر اساس برنامه اقدام مشترک با ایران همکاری کنند مگر این که از آمریکا اجازه بگیرند. قوه مجریه آمریکا حق ندارد تحریم هایی را که کنگره آمریکا اعمال کرده، لغو کند.

دعوی بیهوده مجریه و مقننه آمریکا جدی است. این زنگ خطری برای ماست. اگر قوه مجریه آمریکا در حال حاضر نتوانسته است کنگره را متقاعد کند، در آینده نیز بعید به نظر می رسد. منابع: ایسنا، رجا، دانا

در نظر گرفتن عملکردهای گذشته و حال سخن می گوید که از اصطلاحات آژانس بین المللی انرژی اتمی برای ابعاد نظامی احتمالی، از جمله پارچین است. این توافق نامه همچنین می گوید که باید به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد قبل از توافق جامع توجه شود و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به طور خاص به قابلیت موشک های بالستیک آن ها توجه دارد. بنابر این ما گفتگویی مستقیم با ایران در مورد تمام این مسائل داشته ایم. آن ها معنی کلمات توافق نامه را کاملاً درک می کنند. و ما قصد داریم از تلاش های آژانس بین المللی انرژی اتمی برای مقابله با ابعاد نظامی احتمالی، از جمله پارچین حمایت کنیم.»

## نکات مثبت توافق نامه ژنو

## نکات مثبت مذاکرات ژنو در چهار بخش کلی خلاصه می شود:

۱. با امضای این توافق نامه، جایگاه ایران در حوزه دیپلماسی عمومی برای مخاطب غربی ارتقا پیدا کرده است. تا قبل از این توافق، تصویر عمومی ایران در رسانه های غربی، تصویری غیر قابل انعطاف و خصمانه بود که با مذاکره و تفاهم میانه ای ندارد. اما این تصویر با پیشرفت مذاکرات کم رنگ تر و به واکتشی علیه «ایران هراسی» که حاصل تلاش رسانه های بیگانه بود، تبدیل شد. با برقراری این ارتباط، مردم این کشور هانیز دریافتند می توان با ایران گفتگو کرد و به توافق رسید.

۲. منزوی شدن بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی یکی دیگر از نکات مثبت این توافق است. در حقیقت، تلاش رژیم صهیونیستی و لابی آن برای منزوی کردن ایران جواب معکوس داشته است، به طوری که نزدیک ترین هم پیمان این رژیم نیز در رابطه با نوع برخورد با ایران از نظر روش با این رژیم اختلاف دارد. البته همانطور که اشاره شد، این اختلاف در حوزه روش ها است و نه در حوزه اهداف. نتانیاهو معتقد است که ایران نباید هیچگونه توانمندی هسته ای داشته باشد، در حالی که او با استدلال می کند، از آنجا که توانمندی هسته ای در ایران بومی شده است، بهترین گزینه، مدیریت این توانمندی توسط آمریکا است. اختلاف بین تیم او با نمایندگان مرتبط با لابی اسرائیل در کنگره نیز از این زاویه قابل بررسی است.

۳. مذاکرات ژنو فرصت ایجاد اختلاف در میان اعضای ۵+۱ را تقویت می کند. در جلسه استماع کمیسیون امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۹۲ (۱۰ دسامبر ۲۰۱۳)، جان کری دقیقاً به این نکته اشاره می کند. به گفته وی برخی از اعضای ۵+۱ در ژنو، با شرایط بسیار راحت تری آماده توافق با ایران بودند و امتیازهای گرفته شده از ایران در این توافق نامه نیز حاصل تلاش آمریکا بوده است. به همین دلیل، امکان استفاده از اختلاف موجود در مجموعه ۵+۱ وجود دارد. کری در این جلسه اذعان می دارد تصویب تحریمهای جدید خود مانعی برای اجماع بین اعضای ۵+۱ است و این اختلاف موجب هدایت روسیه، چین و برخی از کشورهای اروپایی گروه ۵+۱ به سوی تعاملات اقتصادی با ایران، خارج از چارچوب توافق نامه ژنو خواهد شد.

۴. آخرین نکته مثبت این توافق نامه از دیدگاه نگارنده، پذیرش ضمنی غنی سازی در ایران در سطح ۵ در صد و طی شش ماه اجرای توافق ژنو است. برخلاف موضع گیری های ده ساله اخیر آمریکا مبنی بر عدم داشتن هر گونه حق غنی سازی، صدور این مجوز شش ماهه، گامی رو به جلوتلقی می شود، و این موفقیت حاصل مقاومت رهبری، مردم و دولت های پیشین است. در جلسه استماع ۱۹ آذر ماه ۱۳۹۲ نیز، از جان کری سؤال می شود: چرا آمریکا برخلاف موضع گیری سابق در حوزه غنی سازی، با غنی سازی ۵ در صد در ایران به طور ضمنی موافقت کرده است؟ وی پاسخ می دهد، امکان تکرار رویه گذشته مبنی بر منع کامل غنی سازی در ایران، دیگر عملی نیست. البته همانطور که پیش از این ذکر شد، حق غنی سازی ایران در گام نهایی توافق نامه مشروط به نظر مثبت دولت آمریکا شده است.

آخرین پاراگراف می گوید «مستلزم یک برنامه غنی سازی با توافق طرفین با پارامترهای مورد توافق دو طرف، مطابق با نیازهای عملی است.» این مفهوم بسیار مهم است. باید به چیزهایی که عملاً نیاز است مربوط باشد که ممکن است آن ها دلیلی بر ایش بیاورند و استدلال کنند که به آن نیاز دارند، مثل تحقیقات پزشکی و یا چیزهایی شبیه این. اما این امر می تواند بسیار محدود باشد. سپس در توافق نامه آمده است «با محدودیت های توافق شده در باره حوزه و سطح فعالیت های غنی سازی، و ظرفیت و جایی که انجام می شود و ذخایر اورانیوم غنی شده برای یک دوره که باید در باره آن توافق شود.» بنابر این در متن یک، دو، سه، چهار مرتبه «توافق طرفین» یا «با توافق در باره آن» وجود دارد.»

کری: «نیازهای عملی چیست؟ شاید کمی تحقیقات در حوزه پزشکی. یا تأمین سوخت کافی در برنامه تولید برق مورد توافق که ممکن است در کنسرسیومی با افراد دیگری انجام شود، افرادی که کاملاً به عملکرد و نتایج آن اشراف دارند.»

وقتی فلان مسئول می آید و می گوید ما حق غنی سازی را نگه می داریم و این خطر کمز ماست، این حق نیاز به توافق طرف مقابل دارد و گرنه ما اجازه حق غنی سازی نخواهیم داشت. البته دو نوع غنی سازی داریم: صنعتی و غیر صنعتی و غنی سازی صنعتی است که برای کشور قدرت می آورد. چند سال است آمریکا می گوید که ایران یک نیروگاه دارد و سوخت آن را هم روسیه می دهد پس دیگر چه نیازی به غنی سازی دارد؟ و این نکته را در توافق نامه مکتوب کردند و ما هم آن را امضا کردیم.

در جلسه استماع ۲۱ آذر کمیسیون بانکداری سنا، سناتور جان تس نیز نیازهای عملی ایران را زیر سؤال می برد و وندی شرمن به عنوان مسئول تیم مذاکره کننده در پاسخ چنین می گوید: آخرین سوال. ایران چهارمین ذخایر نفت جهان را دارد و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی. چرا باید ایران به انرژی هسته ای علاقه نشان دهد؟

شرمن: «این پرسش بسیار خوبی است. این سوالی است که ما بارها و بارها از آن ها پرسیده ایم. و به همین دلیل این «برنامه اقدام مشترک» می گوید ما می خواهیم بدانیم نیازهای عملی آن ها چیست. چون، کاملاً صادقانه بگویم، برای ما روشن نیست که چرا آن ها باید ۱۹۰۰ سانتریفیوژ داشته باشند، چرا باید یک انبار مواد غنی شده ۵.۳ در صد بخواهند، چرا به راکتور هسته ای اراک نیاز دارند. و به این ترتیب، این چیزی است که ما می خواهیم از طریق رسیدن به یک توافق جامع روی آن کار کنیم. افرادی هستند که ذهنیت اصلاح طلبانه تری دارند، اما یک باور عمومی در میان مردم ایران است که حق غنی سازی برای خود قائل هستند. ایالات متحده بر این باور نیست که هر کشوری حق غنی سازی دارد. اما ایرانی ها به این حق قائل هستند و به فرهنگ مقاومت خود افتخار می کنند و در برابر تغییر می ایستند و به خصوص نمی خواهند تمام آنچه را که ایالات متحده برای آن ایستادگی می کند، بپذیرند، بنابراین بر روی اصول خود بسیار ثابت قدم هستند.»

۳. به نظر می رسد آمریکانه تنها قصد دارد با استفاده از توافق ژنو، کنترل و مدیریت برنامه هسته ای ایران را در دست گیرد، بلکه علاقه مند است در این راستا محدودیت های مورد نظر خود را در پروژه های نظامی و موشکی کشور نیز اعمال کند. اجبار ایران به پذیرش پروتکل الحاقی در گام آخر توافق نامه نیز از همین منظر قابل تحلیل است. در جلسه استماع بالا، سناتور جکرید به این موضوع اشاره می کند و خانم شرمن اینگونه پاسخ می دهد. سناتور رید: «خانم شرمن، وقت خیلی کمی دارم، شاید این موضوعی که مطرح می کنم، موضوع پراهمیتی باشد، اما در مورد این مسئله از توافق اولیه، هیچ چیزی - هیچ پیشنهادی در باره برنامه نظامی آن ها، به خصوص در اطراف پارچین وجود ندارد. می توانید خیلی سریع به ما بگویید چه اتفاقی خواهد افتاد؟»

خانم شرمن: «در واقع، سه بخش در توافق نامه وجود دارد که از احتمال جنبه های نظامی برنامه ایران صحبت می کند. در پاراگراف اول، که در باره داشتن توافق جامع است، به تمام نگرانی های باقی مانده توجه شده است، که اشاره ای است به ابعاد نظامی احتمالی آن ها. این پاراگراف در باره نیاز به

